



نمای عمومی سینمای ایران

برداشت ناتمام

رضا درستکار

زمستان فصل رکود سینمای ایران نیز هست؛ در مقایسه با سه فصل دیگر سال، رکود نسبی اکران و رکود تولید، محسوس می‌شود و اگر گرمای برگزاری جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم فجر نباشد، با سرمای فصل، رکود محسوس‌تر جلوه‌گر خواهد شد.

در هر حال سینمای ایران در زمستان سال ۷۸، با نمایش فیلم‌های پشت خط مانده و چند فیلم متوسط و حتی با کاهش نسبی تماشاگر جشنواره روبه‌رو بود و در مجموع نمایش ضعیفی داشت. هرچند که در بهار ۷۹ تحرک، مجدداً به سینمای ایران بازگشت و سینماها رونق گرفتند و ...

این نوشتار نمای عمومی از سینمای ایران در زمستان ۷۸ و بهار ۷۹ است که به رویدادهای مهم، حضورهای بین‌المللی و جشنواره‌ای سینمای ایران و فعالیتهای نهادهای مسؤوّل نگاهی می‌اندازد.

□ وضعیت اقتصادی فیلم‌ها در اکران سال ۱۳۷۸

ملودرام) است. نکته‌ی مهم دیگر، استقبال از فیلم مهم و هنری رنگ خدا (مجید مجیدی) است که ششمین فیلم پرفروش جدول فروش سال ۷۸ است و در تمامی حضورهای بین‌المللی‌اش با موفقیت‌های چشمگیر همراه بوده و اغلب، جایزه‌ی ویژه‌ی تماشاگران را از آن خود کرده است؛ با این حال فیلم‌های مهم و مطرحی چون تولد یک پروانه (مجتبی راعی) و تا آخرین نفس (رسول ملاقلی‌پور) در گیشه شکست خوردند و طعم گیلان (عباس کیارستمی) هم فروش متوسطی داشت. جدول شماره‌ی یک، میزان فروش فیلم‌های اکران اول سال ۷۸ را نشان می‌دهد.

درآمد سی میلیارد ریالی سینمای ایران در سال ۷۸، نشان از رونق این سینما و استقبال عمومی از فضای جدید سینمای ایران دارد و همه‌ی دست‌اندرکاران سینما را دلگرم می‌کند. سیزده فیلم، به فروش بالای یکصد میلیون تومان دست یافتند؛ و دو فیلم بالای جدول، معادل یک چهارم گیشه‌ی سینمای ایران در سال ۷۸، فروختند. از نکات حایز اهمیت، تحرک کیفی فیلم‌های پرفروش و بالای جدول است و عدم اقبال فیلم‌های ضعیف که حکایت از ارتقای ذائقه‌ی مخاطبان تهرانی دارد. در میان فیلم‌های پرمخاطب، ده فیلم در ژانر خانوادگی جای می‌گیرند و بدین ترتیب باید گفت بدنه‌ی سینمای ایران در اختیار این ژانر (با اما و اگرهایی

جدول شماره‌ی یک فروش فیلم‌های اکران اول سال ۱۳۷۸

ردیف	فیلم	میزان فروش در تهران به تقریب (ریال)	پخش‌کننده
۱	قرمز	۳/۷۸۰/۰۰۰/۰۰۰	رسانه‌ی فیلم‌سازان
۲	دوزن	۳/۲۶۰/۰۰۰/۰۰۰	سازمان توسعه‌ی سینمایی سوره
۳	طوطیا	۲/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	هدایت فیلم
۴	دختری با کفش‌های کتانی	۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰	میلاد فیلم
۵	سیاوش	۱/۸۳۰/۰۰۰/۰۰۰	هدایت فیلم
۶	رنگ خدا	۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	وراهنر
۷	شیدا	۱/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	سازمان توسعه‌ی سینمایی سوره
۸	مصائب شیرین	۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰	آویشن فیلم
۹	جوانی	۱/۲۹۰/۰۰۰/۰۰۰	آویشن فیلم
۱۰	عشق + ۲	۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰	شهرفیلم
۱۱	عشق بدون مرز	۱/۱۹۰/۰۰۰/۰۰۰	نوین فیلم
۱۲	غریبانه	۱/۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰	شکوفای فیلم
۱۳	شوخی	۱/۰۸۰/۰۰۰/۰۰۰	سازمان توسعه‌ی سینمایی سوره
۱۴	فریاد	۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰	آویشن فیلم
۱۵	عشق کافی نیست	۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰	لاله‌برگ
۱۶	مردی از جنس بلور	۶۳۶/۰۰۰/۰۰۰	لاله‌برگ
۱۷	بازیگر	۶۳۰/۰۰۰/۰۰۰	رسانه‌ی فیلم‌سازان

ردیف	فیلم	میزان فروش در تهران به تقریب (ریال)	پخش کننده
۱۸	جهان پهلوان تختی	۵۸۰/۰۰۰/۰۰۰	هدایت فیلم
۱۹	روبان قرمز	۴۶۰/۰۰۰/۰۰۰	وراهتر
۲۰	شبیخون	۴۲۰/۰۰۰/۰۰۰	میلاد فیلم
۲۱	طعم گیلان	۳۲۵/۰۰۰/۰۰۰	پیمان فیلم
۲۲	ساحره	۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰	سازمان توسعه‌ی سینمایی سوره
۲۳	معصوم	۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰	نیکان فیلم
۲۴	زخمی	۲۹۰/۰۰۰/۰۰۰	پویا فیلم
۲۵	پشت دیوار شب	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰	امید فیلم
۲۶	پنجه در خاک	۲۱۵/۰۰۰/۰۰۰	شکوفای فیلم
۲۷	شهر زنان	۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰	پخشیران
۲۸	پسر مریم	۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰	خانه‌ی ادبیات
۲۹	شور زندگی	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰	همراه
۳۰	یورش	۱۴۵/۰۰۰/۰۰۰	نوین فیلم
۳۱	باشگاه سری	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	سازمان توسعه‌ی سینمایی سوره
۳۲	یک قدم تا مرگ	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰	بهاران فیلم
۳۳	آخرین تک سوار ایل	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	رسانه‌ی فیلم سازان
۳۴	آی پارا	۸۰/۰۰۰/۰۰۰	نیکان فیلم
۳۵	پرواز خاموش	۷۵/۰۰۰/۰۰۰	همراه
۳۶	زشت و زیبا	۷۰/۰۰۰/۰۰۰	لاله برگ
۳۷	بدلکاران	۷۰/۰۰۰/۰۰۰	لاله برگ
۳۸	شهردار مدرسه	۴۳/۰۰۰/۰۰۰	روشن فیلم
۳۹	کمیته‌ی مجازات	۴۰/۰۰۰/۰۰۰	شهر فیلم
۴۰	تا آخرین نفس	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	شهر فیلم
۴۱	تنها	۱۶/۰۰۰/۰۰۰	اویشن فیلم
۴۲	تولد یک پروانه	۱۵/۰۰۰/۰۰۰	شهر فیلم
۴۳	آن سوی آینه	۱۵/۰۰۰/۰۰۰	شهر فیلم
۴۴	ماه و خورشید	۱۰/۰۰۰/۰۰۰	گل فیلم

مجموع درآمد سینمای ایران در سال ۱۳۷۸ (در تهران) مبلغ ۳۰۰/۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است.

سال‌های قبل بودند. مجموع درآمد فیلم‌های اکران شده ۲۵۳ میلیون تومان بود که حکایت از کاهش هشتاد درصدی، نسبت به فصل قبل داشت. البته نکته‌ی اصلی، برگزاری

وضعیت اقتصادی فیلم‌ها در اکران زمستان

در فصل زمستان سیزده فیلم اکران اول در سینماها به روی پرده رفتند که تعدادی، از فیلم‌های پشت خط مانده‌ی

جدول دو. فروش فیلم‌های اکران اول فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹

ردیف	فیلم	میزان فروش در تهران به تقریب (ریال)	بخش‌کننده
۱	شوکران	۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	سازمان توسعه‌ی سینمایی سوره
۲	دختران انتظار	۱/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰	شکوفا فیلم
۳	رنجر	۳۷۵/۰۰۰/۰۰۰	سازمان توسعه‌ی سینمایی سوره

■ میزان فروش تا هجدهم اردیبهشت ۱۳۷۹ منظور شده است.

تومان گذشته است. در هر حال دو فیلم خانوادگی اکران نوروزی سال ۷۹، یعنی شوکران و دختران انتظار (رحمان رضایی) با استقبال عامه‌ی مردم روبه‌رو شدند و رونقی به فصل سینمایی سال‌های گذشته (یعنی نوروز) بخشیدند. جدول شماره‌ی دو گویای وضعیت فروش فیلم‌های نوروزی سال ۷۹ است.

□ درجه‌بندی کیفی فیلم‌های سال ۱۳۷۸

در سال ۷۸ در مجموع ۴۴ فیلم اکران گرفتند که نیمی از این مجموعه با درجه‌ی کیفی الف، ارزشیابی شدند، هجده فیلم درجه‌ی ب و ب ستاره‌دار گرفتند و تنها شش فیلم، درجه‌ی ضعیف ج اخذ کردند. این مجموعه از ارتقای کیفی سینمای ایران خبر می‌دهد.

اگر نظام درجه‌بندی فیلم‌ها بتواند پیامدهای تشویقی برای ارتقای کیفیت فیلم‌ها در نظر بگیرد و محدودیت را حذف کند و از مجرای تشویق و اعطای امتیاز به فیلم‌های باکیفیت وارد شود، می‌توان آن را ابزاری مثبت در سیاست‌گذاری برشمرد؛ هرچند که همواره با مشکلاتی روبرو بوده و منتقدان فراوانی داشته است. دفترچه‌ی سیاست‌های پنج‌ساله‌ی سوم توسعه می‌گوید که نظام درجه‌بندی فیلم‌ها در سینمای ایران تا پایان برنامه به‌قوت خود باقی خواهد ماند. جدول شماره‌ی سه، درجه‌ی کیفی فیلم‌های سال ۷۸ را نشان می‌دهد.

جشنواره‌ی فجر در میانه‌ی فصل است که همه چیز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به هر حال بخش زیادی از تماشاگران فیلم‌ها در طول برگزاری جشنواره، به دیدن فیلم‌های جدید می‌روند که آمار آن در جدول اکران درج نمی‌شود.

بالاترین رقم فروش فیلم‌های زمستانی را دو فیلم مردی از جنس بلور (سعید سهیلی) و رویان قرمز (ابراهیم حاتمی‌کیا) کسب کردند که در مجموع ۱۱۰ میلیون تومان فروختند. پایین‌ترین رقم نیز به دو فیلم شهردار مدرسه (محمدباقر خسروی) و آن سوی آینه (محمدرضا اعلامی) تعلق داشت که در مجموع فروششان تقریباً به شش میلیون تومان رسید. ظاهراً پس از جشنواره، سینماها و سینمای ایران دوران خستگی و تعطیلی را می‌گذرانند و در اسفندماه کمتر کسی حاضر به خطر کردن و اکران فیلم‌های بهتر است. تعدادی از فیلم‌های به نمایش درآمده در اسفند ۷۸، فیلم‌های تولید شده و بازمانده از سال‌های قبل بودند و به ناچار در زمان یاد شده، بدون هیچ تبلیغ و سروصدایی اکران گرفتند و کارشان به شکست اقتصادی انجامید.

■ اولین اکران سال ۱۳۷۹

ناظران و علاقه‌مندان به اقتصاد، اعتراض جمعی از پرستاران بیمارستان‌ها را در توفیق چشمگیر شوکران (بهروز افخمی) بسیار دخیل می‌دانند، چراکه پس از زمزمه‌های اولیه‌ی اعتراض پرستاران، فروش فیلم شوکران افزایش یافت و از رقیب نوروزی خود پیش افتاد و اینک از مرز سیصد میلیون

جدول شماره‌ی سه. درجه‌ی کیفی فیلم‌های سال ۱۳۷۸

ردیف	فیلم	درجه‌ی کیفی	بخش
۱	باشگاه سری (جمال شورجه)	الف	خصوصی
۲	پسر مریم (حمید جبلی)	الف	خصوصی
۳	پرواز خاموش (حسین برزیده)	الف	خصوصی
۴	تولد یک پروانه (مجتبی راعی)	الف	دولتی
۵	تا آخرین نفس (رسول ملاقلی پور)	الف	دولتی
۶	جهان پهلوان تختی (بهروز افخمی)	الف	خصوصی
۷	دو زن (تهمینه میلانی)	الف	مشترک
۸	دختری با کفش‌های کتان‌ی (رسول صدرعاملی)	الف	خصوصی
۹	رنگ خدا (مجید مجیدی)	الف	خصوصی
۱۰	روبان قرمز (ابراهیم حاتمی‌کیا)	الف	خصوصی
۱۱	سیاوش (سامان مقدم)	الف	خصوصی
۱۲	شیدا (کمال تبریزی)	الف	مشترک
۱۳	شوخی (هما یون اسعدیان)	الف	خصوصی
۱۴	طعم گیلان (عباس کیارستمی)	الف	خصوصی
۱۵	فریاد (مسعود کیمیایی)	الف	خصوصی
۱۶	کمیته‌ی مجازات (علی حاتمی)	الف	خصوصی
۱۷	ماه و خورشید (محمدحسین حقیقی)	الف	دولتی
۱۸	مصائب شیرین (علیرضا داوودنژاد)	الف	خصوصی
۱۹	زشت و زیبا (احمدرضا معتمدی)	الف*	دولتی
۲۰	مردی از جنس بلور (سعید سهیلی)	الف*	خصوصی
۲۱	آن سوی آینه (محمدرضا اعلامی)	ب	دولتی
۲۲	آی پارا (محرم زینالزاده)	ب	خصوصی
۲۳	بازیگر (محمدعلی سجادی)	ب	خصوصی
۲۴	پشت دیوار شب (مهران تأییدی)	ب	خصوصی
۲۵	تنها (علی قوی‌تن)	ب	خصوصی
۲۶	ساحره (داود میرباقری)	ب	دولتی
۲۷	شهر زنان (عطاءالله حیاتی)	ب	خصوصی
۲۸	طوطیا (ایرج قادری)	ب	خصوصی
۲۹	عشق + ۲ (رضا کریمی)	ب	خصوصی
۳۰	عشق بدون مرز (پوران درخشنده)	ب	خصوصی
۳۱	عشق کافی نیست (مهدی صباغزاده)	ب	خصوصی

ردیف	فیلم	درجه‌ی کیفی	بخش
۳۲	قرمز (فریدون جیرانی)	ب	خصوصی
۳۳	آخرین تک‌سوار (محمد سیف‌زاده)	ب*	خصوصی
۳۴	جوانی (مجید قاریزاده)	ب*	خصوصی
۳۵	شور زندگی (فریال بهزاد)	ب*	خصوصی
۳۶	شهردار مدرسه (محمدباقر خسروی)	ب*	خصوصی
۳۷	معصوم (داود توحیدپرست)	ب*	خصوصی
۳۸	یک قدم تا مرگ (بهروز فرجی)	ب*	خصوصی
۳۹	بدلکاران (مهدی صباغزاده)	ج	خصوصی
۴۰	پنجه در خاک (ایرج قادری)	ج	خصوصی
۴۱	زخمی (کامران قدکچیان)	ج	خصوصی
۴۲	شبیخون (جمشید آهنگرانی)	ج	خصوصی
۴۳	غریبانه (احمد امینی)	ج	خصوصی
۴۴	یورش (محسن محسنی‌نسب)	ج	خصوصی

□ وضعیت تولید

نکته‌ی مهم در جدول‌های تولید فیلم، آماده بودن برخی فیلم‌ها و بلا تکلیفی آن‌هاست. هنوز تکلیف دوستان (علی‌شاه حاتمی)، دایره (جعفر پناهی) و نسل سوخته (رسول ملاقلی‌پور) مشخص نشده است و آثاری چون سکوت (محسن مخملباف) و عشق ظاهر (محمدعلی نجفی) دستخوش سلیقه‌های ممیزی شده‌اند. جدول شماره‌ی چهار، وضعیت فیلم‌های تولید شده در زمستان ۷۸ را نشان می‌دهد.

در سه ماهه‌ی چهارم، روند تولید مستمر فیلم‌های سینمایی در طول سال پی‌گیری شد و دوازده فیلم (به‌طور متوسط چهار فیلم در هر ماه) به مرحله‌ی تولید رسیدند. نیمی از این میزان را فیلم‌سازان نسل قبل و نیمی دیگر را فیلم‌سازان تازه‌کار به ثمر رسانده‌اند. با احتساب ۴۳ فیلم در جریان تولید در فصل‌های گذشته، سقف تولید فیلم در سال ۷۸ به مرز ۵۵ فیلم رسید. که حدنصابی معقول و منطقی برای سینمای ایران است.

جدول چهار. وضعیت فیلم‌های تولیدی زمستان ۱۳۷۸

ردیف	فیلم	کارگردان	شروع فیلم‌برداری
۱	یاران	مجید مجیدی	دی
۲	کای	ابوالفضل جلیلی	دی
۳	آخر بازی	همایون اسعدیان	بهمن
۴	زیر پوست شهر	رخشان بنی‌اعتماد	بهمن
۵	راز شب بارانی	سیامک اطلسی	بهمن
۶	روزی که زن شدم*	مرضیه مشکینی	بهمن
۷	فوتبالیست‌ها	علی اکبر ثقفی	بهمن

ردیف	فیلم	کارگردان	شروع فیلم برداری
۸	عروس فراری	محمدحسین لطیفی	بهمن
۹	سفر به شرق	سیدمهدی برقی	اسفند
۱۰	زخم شانه‌های مسیح	پرویز صبری	اسفند
۱۱	نشانی	محمدعلی طالبی	اسفند
۱۲	هفت پرده	فرزاد مؤتمن	اسفند

روزی که زن شدم، فیلمی سه اپیزودی است. اپیزود اول در فروردین ۷۸ و دو اپیزود دیگر در بهمن و اسفند ۷۸ فیلم برداری شده‌اند.

□ تولید ۱۳۷۹

اولین نماینده رسمی سینمای ایران در طول دو دهه‌ی گذشته و پس از پیروزی انقلاب، در یک مرکز مهم قانونگذاری است. متعاقب پیروزی بهروز افخمی در انتخابات مجلس، گروه‌ها و مؤسسات سینمایی، این انتخاب را به وی تبریک گفتند.

خانه سینما نیز طی بیانیه‌ای، انتخاب «عضو ارزشمند خانه‌ی سینما» در جمع نمایندگان مجلس را تجلی اراده‌ی مردمی خواند که جایگاه و نقش ارزنده و رفیع هنر، فرهنگ و اندیشه را در حیات تاریخی خود باور دارد و ارج می‌نهد: «خانه‌ی سینما برای بهروز افخمی، در خانه‌ی ملت و عرصه‌ی قانونگذاری موفقیت آرزو می‌کند و امیدوار است که وی پاسخگوی شایسته‌ی اعتماد کسانی باشد که با آرای

وضعیت تولید در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۷۹ نیز متناسب با سیاست‌های معاونت سینمایی در گسترش تولید فیلم در طول سال است. جدول شماره‌ی پنج وضعیت تولید فیلم‌های سینمایی در دو ماه اول سال ۷۹ را نشان می‌دهد.

□ رویدادهای مهم

۱. ششمین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای اسلامی برای سینمای ایران از انتخابات خاطره‌انگیز بود. این انتخابات در روز بیست و نهم بهمن ماه ۷۸ برگزار شد و طی آن بهروز افخمی کارگردان سینمای ایران به عنوان نماینده‌ی بیست و یکم مردم تهران به مجلس شورای اسلامی راه یافت. این

جدول شماره‌ی پنج. وضعیت فیلم‌های تولید شده در فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹

ردیف	فیلم	کارگردان	شروع فیلم برداری
۱	دختری به نام تندر	حمیدرضا آشتیانی	فروردین
۲	همسر دلخواه من	افشین شرکت	فروردین
۳	قطعه‌ی ناتمام	مازیار میری	فروردین
۴	پارتی	سامان مقدم	اردیبهشت
۵	ازدواج غیابی	کاظم معصومی	اردیبهشت
۶	مسافر ری	داود میرباقری	اردیبهشت
۷	نیمه‌ی پنهان	تهمینه میلانی	اردیبهشت

خود این مسؤلیت خطیر را بر دوش او نهاده‌اند.»

۲. طی مراسمی در خانه‌ی سینما، انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران برگزیدگان خود در هجدهمین دوره‌ی جشنواره فیلم فجر را در پنج رشته معرفی کرد. تمامی اعضای انجمن (حدود ۱۸۰ تن از منتقدان، نویسندگان، خبرنگاران و مترجمان عضو) داوری فیلم‌ها را برعهده داشتند و برگزیدگان به شرح زیر معرفی شدند و جوایز خود را دریافت کردند:

- بهترین فیلم از نظر کوشش در زمینه باروری صنعت سینمای ایران به مومیایی ۳ (محمدرضا هنرمند) تعلق گرفت.
- بهترین فیلم از نظر ابداع و نوآوری در هنر، صنعت سینمای ایران به عروس آتش (خسرو سینایی) تعلق گرفت.
- بهترین کارگردان: خسرو سینایی (عروس آتش).
- بهترین فیلم‌نامه: خسرو سینایی و حمید فرخ‌نژاد برای عروس آتش.
- انتخاب ویژه: ایفای نقش قوی و خاطره‌انگیز، حمید فرخ‌نژاد در عروس آتش.

۳. پس از پایان جشنواره و در اسفندماه، برخی مطبوعات از ربوده شدن احمدرضا درویش کارگردان سینما در طول برگزاری جشنواره خبر دادند. روزنامه‌ی عصر آزادگان به تفصیل ماجرا را شرح داد: «روز هفدهم بهمن، در نزدیکی فرهنگسرای نیاوران در شمال تهران، درویش که به عنوان یکی از سخنرانان مدعو به سوی محل برگزاری سمینار سینما و گفت‌وگوی تمدن‌ها می‌رفت، مجبور شد سوار اتومبیلی شود که سه سرنشین ناشناس آن، با لحن آمرانه از او می‌خواستند به جای شرکت در سمینار ساعاتی به گفت‌وگو با آنان بپردازد و به تذکرات و نصیحت‌های آن‌ها گوش فرا دهد.» با افشای ربوده شدن و تهدید احمدرضا درویش، معاونت امسور سینمایی و خانه‌ی سینما واکنش‌هایی از خود نشان دادند. روز ششم اسفندماه معاونت سینمایی طی بیانیه‌ای از مراجع اطلاعاتی، انتظامی و قضایی کشور خواست تا قاطعانه با طراحان ربودن احمدرضا درویش برخورد کنند. خانه‌ی سینما نیز در یک بیانیه‌ی جداگانه ضمن محکوم کردن عمل مجرمانه‌ی

ربایندگان، نگرانی عمیق خود را از تکرار چنین حوادثی اعلام کرد: «چه ضمانتی است که بار دیگر، سینماگر، هنرمند، نویسنده و اندیشمندی دیگر از چنین جلسات گفت‌وگویی جان سالم به در برده؟»

۴. از اتفاقات جالب توجه اسفندماه، برگزاری مراسم بزرگداشت پرویز فنی‌زاده (بازیگر سینما و تئاتر) در خانه‌ی سینما بود.

فنی‌زاده از بازیگران موفق سال‌های دهه‌ی پنجاه سینمای ایران بوده که در تعدادی از فیلم‌های مهم و مطرح آن سال‌ها بازی کرده است. فنی‌زاده در سال ۵۸ در سن ۴۲ سالگی دار فانی را وداع گفت. پس از مرگش گذشته از یک دوره‌ی بزرگداشت در سال‌های ابتدای انقلاب در اولین دوره‌ی جشنواره‌ی فجر، هیچ‌گاه یادی از او نشد. و مراسم بزرگداشتی که در روز پنجم اسفندماه ۷۸ در خانه‌ی سینما برگزار شد، پس از بیست سال، یاد و خاطره‌ی فیلم‌های او را زنده کرد. در این مراسم تعدادی از دوستان و همکاران فنی‌زاده و هم‌چنین خانواده‌ی آن مرحوم حضور داشتند و به بازگویی خاطراتی از وی پرداختند و بخش‌هایی از فیلم‌هایش نیز به نمایش درآمدند.

۵. در اواخر اسفندماه شورای شهر تهران، در مورد افزایش عوارض فروش بلیت سینما تصمیم جدیدی گرفت. متعاقب این رخداد که به اعتراض صاحبان سینماها، جمعی از تهیه‌کنندگان و تعدادی از دست‌اندرکاران سینمایی انجامید، ناصر مجددیگدلی (رییس انجمن سینماداران) اعلام کرد: «متأسفانه شورای شهر تهران با این تصمیم، مخالفت خود را با فعالیت سینماها اعلام داشته است... بدین وسیله اعلام می‌دارد از اولین روز اجرای اضافه عوارض، سینماها تعطیل و تا زمان لغو آن بازگشایی نخواهند گردید و برای اعتراض به این تصمیمات نابه‌جا، کلیه‌ی سینماهای تهران و شهرستان‌ها روز پنجشنبه ۷۸/۱۲/۲۶ تا ساعت چهار بعدازظهر تعطیل خواهند بود.» اتحادیه تهیه‌کنندگان و توزیع فیلم و انجمن سینماداران ایران نیز در اعتراض به افزایش عوارض سینماها، بیانیه‌هایی صادر کردند. بیانیه‌ی اتحادیه‌ی تهیه‌کنندگان: «حکایت از تعطیلی تولید فیلم تا

اگر نظام درجه‌بندی فیلم‌ها بتواند پیامدهای تشویقی برای ارتقای کیفیت فیلم‌ها در نظر بگیرد و محدودیت را حذف کند و از مجرای تشویق و اعطای امتیاز به فیلم‌های باکیفیت وارد شود، می‌توان آن را ابزاری مثبت در سیاست‌گذاری برشمرد.

روشن شدن وضعیت عوارض سینماها و اتخاذ تصمیمی منطقی و واقعی متناسب با شرایط موجود داشت؛ و بیانیه انجمن سینماداران نیز از تجمع اعتراض‌آمیز در خانه‌ی سینما خبر می‌داد. البته اعتراض‌ها تا پیش از وقوع تجمع و تعطیلی سینماها به شورای شهر تهران رسید و شورا با لغو تصمیم خود، به سینماگران اطمینان داد که عوارض سینماها افزایش نخواهد یافت.

۶. در فروردین ماه ۷۹ دو پیش‌نویس قانون سینمای ایران در هفته‌نامه‌ی سینما به چاپ رسید و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد که آماده‌ی دریافت کلیه پیشنهادهای دیدگاه‌های دست‌اندرکاران سینمایی است. پیش از این، اعلام شده بود که پیش‌نویس قانون سینما آماده است و به‌زودی طی لایحه‌ای به هیأت دولت ارجاع و از آن‌جا برای تصویب و الحاق به قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی ارایه خواهد شد. با چاپ پیش‌نویس، صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران سینمایی نسبت به آن واکنش‌هایی نشان دادند که عمدتاً توأم با بدبینی بود. پیش‌نویس قانون سینما، همان‌طور که تعدادی از دست‌اندرکاران سینما بیان کرده‌اند، ممکن است در اجرا با مشکلاتی رودررو شود. ضمن این‌که این پیش‌نویس، دست مجری را برای اجرا و تفسیر باز گذاشته است. پیش‌نویس قانون سینما در هفت فصل کلیات، تعاریف، حقوق دوره‌ی حمایت، حدود، نظارت و جرایم و مجازات طراحی شده و شامل ۵۳ ماده است. هفته‌نامه سینما در شماره‌ی ۴۲۱ (چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۷۹) خواستار به بایگانی سپردن پیش‌نویس قانون سینما شد.

۷. اکران شوکران در فروردین‌ماه، موجب اعتراض جمعی از

پرستاران بیمارستان‌ها و تعدادی از دانشجویان دانشکده‌ی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران شد. این عده در روز بیست و سوم فروردین‌ماه در تجمعی که ساعت نه صبح مقابل وزارت ارشاد برپا شد، خواستار عذرخواهی بهروز افخمی از جامعه‌ی پرستاران و توقف نمایش فیلم شدند. به گفته‌ی تعدادی از نمایندگان پرستاران در این تجمع، آثاری چون *شیده*، *دختران انتظار* و *شوکران* تصویر نامطلوبی از پرستاران ارایه کرده‌اند. پس از سخنرانی معترضان در وزارت ارشاد، معاون امور سینمایی خطاب به پرستاران اعلام کرد که اگر فیلم مغایرتی با شئون پرستاری داشت، حتماً او اولین کسی بود که خواستار توقف نمایش فیلم می‌شد. سیف‌الله داد در بخش دیگری از سخنانش گفت: «نمایش فیلم‌ها طبق ضوابط است و قانون تعیین می‌کند که چه فیلمی اکران شود و بازبینی یک هیأت کارشناس پرستاری در زمان ساخت و بازبینی فیلم از سوی پرستاران، غیرقانونی و منتفی است.» پس از جلسه‌ی اعتراض‌آمیز بیست و سوم فروردین‌ماه، بهروز افخمی طی نامه‌ای به پرستاران یادآور شد که فیلم *شوکران* اصلاً درباره‌ی حرفه‌ی پرستاری نیست. افخمی در نامه‌ی خود شخصیت پرستار فیلم (سیما) را مظلوم‌ترین، محبوب‌ترین و دلنشین‌ترین شخصیت فیلم ذکر کرد و از او به‌عنوان یک شهروند درجه‌ی دو نام برد که در انزوای یک‌بیوه‌زن گرفتار است.

سرانجام شوکران در روز سی‌ویکم فروردین‌ماه در محل تالار اندیشه‌ی حوزه‌ی هنری و در حضور نمایندگان انجمن پرستاری ایران و تعداد زیادی از پرستاران و دانشجویان دانشکده‌های مختلف و تنی چند از نمایندگان مجلس به نمایش درآمد و سازندگان فیلم به سؤالات حاضران پاسخ گفتند و تا حد زیادی سوء تفاهم‌ها رفع شدند. گفته می‌شود اعتراض پرستاران به شوکران در آغاز فصل سینمایی سال ۷۹ موفقیت‌های تجاری این فیلم را بیش از پیش رقم زده است.

■ جشنواره‌های داخلی

جشنواره‌ی استانی فیلم کوتاه وارث. این جشنواره که از چهاردهم تا هفدهم دی‌ماه در شهرستان بابل استان مازندران

ابراهیم، بچه‌های آسمان، مسافر جنوب، سفر شبانه، مرد کوچک، چرخ و کودک و سرباز.

سینمای اجتماعی فرانسه. ساعت ساز سن پل، اسب غرور آخرین نبرد، زمستان ۵۲، زندگی و دیگر هیچ و قطار جهنمی. با فیلم سازان استان. بیست فیلم از تولیدات سینماگران جوان استان خوزستان به شکل رقابتی در این بخش به نمایش درآمدند.

در پایان نیز برندگان بخش مسابقه به شرح زیر اعلام شدند:

○ بهترین فیلم نامه. مجتبی راعی (غزال)

○ بهترین بازیگران زن. ۱. پگاه آهنگرانی (دختری با کفش های کثیف)

۲. فاطمه گودرزی (غزال) نخل بلورین

○ بهترین بازیگران مرد. ۱. حسین سلیمانی (سهر مادری) دیپلم افتخار

۲. حبیب رضایی (آژانس شیشه‌ای) دیپلم افتخار

۳. علی مصفا (بیلا) نخل بلورین

بهترین کارگردان. کیانوش عیاری (بودن یا نبودن)

بهترین فیلم منتخب مردم. دوزن (تهمینه میلانی)

جایزه هیات داوران. ۱. وراهنر برای تهیه آژانس شیشه‌ای (تقدیر)

۲. کیانوش عیاری و بنیاد سینمایی فارابی برای تهیه بودن یا نبودن (نخل بلورین).

○ جشنواره بین‌المللی فیلم فجر. هجدهمین دوره این جشنواره از سیزدهم تا بیست و دوم بهمن ماه در تهران برگزار شد. در این جشنواره و در بخش نمایش های ویژه، پانزده فیلم، و در بخش برشت و سینما، نه فیلم به نمایش درآمدند.

در بخش آینه‌های روبه‌رو، ده فیلم از کوستا و گاوراس، هشت فیلم از فرانچسکو رُزی و همی آثار کوتاه و بلند عباس کیارستمی (به جز گزارش) را در برنامه‌ی جشنواره گنجانده بودند. دورتر از قاب، عنوان بخش دیگر جشنواره بود که تعدادی از فیلم‌های فیلم‌برداری شده توسط دو فیلم‌بردار صاحب‌نام ایرانی و ایتالیایی (محمود کلاری و ویتوریو استورارو) در آن به نمایش درآمدند. ره‌آورد اصفهان (که اختصاص به نمایش تعدادی از آثار به نمایش درآمده در

برگزار شد شامل سه بخش مسابقه، تصویر آفتاب و مروری بر آثار بود. هدف از برگزاری این جشنواره، تشویق و ترغیب فیلم‌سازان به موضوعات ارزشی، بومی، ملی و در جهت شناسایی استعداد های خلاق اعلام شده بود. دوازده فیلم از خسرو سینایی و آثاری از فرشاد فداییان، بهمن قبادی، محمدعلی سجادی، خسرو معصومی، کامران شیردل، ابراهیم مختاری، نادر مقدس، پرویز جاهد، افسانه منادی طبری، جعفر توکلی، مجید قربانی، سلیمان رضایی و ... در بخش مرور به نمایش درآمدند و هشتاد فیلم نیز در بخش مسابقه به رقابت پرداختند. در پایان به بهترین موسیقی فیلم (علی علیزاده برای ترانه‌ی ابریشم)، بهترین صدابرداری (غلامرضا کتان برای آه کشتزاران)، بهترین تصویربرداری (امرالله فرج‌ساز برای قله)، بهترین فیلم‌برداری (عباس یوسف‌شاهی برای آه کشتزاران)، بهترین تدوین (فیروزه بهارصدری برای آه کشتزاران)، بهترین فیلم مستند (فریدون شیردل برای سهم مورچه) جوایزی اهدا شد.

● جشنواره فیلم موضوعی آبادان. اولین دوره این جشنواره از نوزدهم تا بیست و سوم دی ماه ۷۸ در استان خوزستان برگزار شد. این جشنواره با شرکت هجده فیلم که تاریخ ساخت آن‌ها مربوط به سال‌های ۷۴ به بعد بود، در هفت بخش و نیز بخش مسابقه‌ی سینمای اجتماعی به شکل رقابتی برگزار شد و با استقبال خوب مردم شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز و دزفول همراه بود.

بخش های جشنواره و فیلم‌ها:

-رخشان بنی‌اعتماد (کارگردان فیلم‌های اجتماعی). خارج از محدوده، زردقناری، پول خارجی، نوگس، روسری آبی و بانوی اردبیهست.

ره‌آورد شهر کرد. آدم‌برفی، مرد عوضی و شوخی (که در جشنواره‌ی استانی شهرکرد حضور داشتند).

سینمای اجتماعی در آینه‌ی دفاع مقدس. کیمیا، لیلی با من است، آژانس شیشه‌ای، شیدا، هیوا و فریاد.

کودک و نوجوان و جامعه. بادکنک سفید، به خاطر هانیه،

چهاردهمین دوره جشنواره کودک اصفهان داشت)، منظر سینمای عرب (که شامل تعدادی فیلم از چند کشور عربی چون مصر، مراکش، سوریه، لبنان، الجزایر، تونس و فلسطین بود)، بونوئل ۱۰۰ (که اختصاص به نمایش سه فیلم از فیلم‌ساز بزرگ اسپانیایی لوئیس بونوئل داشت) و جشنواره‌ی جشنواره‌ها (که شانزده فیلم از کشورهای مختلف را شامل می‌شد) از دیگر برنامه‌های جشنواره‌ی هجدهم بود.

در جشنواره‌ی هجدهم دو بخش مسابقه‌ای (سینمای ایران و مسابقه‌ی بین‌الملل) نیز برگزار شد که در بخش مسابقه‌ی سینمای ایران هجده فیلم برگزیده‌ی جدید به رقابت پرداختند. میکس (داریوش مهرجویی)، اعتراض (مسعود کیمیایی)، بوی کافور، عطر یاس (بهمن فرمان‌آرا)، مومیایی ۳ (محمدرضا هنرمند)، دست‌های آلوده (سیروس الوند)، مرد بارانسی (ابوالحسن داوودی)، کودک و سرباز (سیدرضا میرکریمی)، شراره (سیامک شایقی)، آسمان پرستاره (حسن قلی‌زاده)، چشمهای فرامرز قریبیان، عروس آتش (خسرو سینایی)، بلوغ (مسعود جعفری جوزانی)، یک روز بیشتر (بابک پیامی)، متولد ماه مهر (احمدرضا درویش)، نجوا (پرویز شهبازی)، بیگانگان (رامین بحرانی)، دفتری از آسمان (پرویز شیخ‌طادی)، نیمه‌ی گمشده (محمدعلی آهنگر)، در بخش مسابقه، و چهار فیلم اصحاب کهف (فرج‌الله سلحشور)، دختران خورشید (مریم شهریار) و باد ما را خواهد برد (عباس کیارستمی) و طهران روزگار نو (علی حاتمی) در بخش خارج از مسابقه به نمایش درآمدند.

در پایان جشنواره، برگزیدگان بدین شرح اعلام شدند:

- بهترین فیلم: بوی کافور، عطر یاس (بهمن فرمان‌آرا)
- جایزه ویژه هیأت داوران: بلوغ (مسعود جعفری جوزانی)
- بهترین کارگردانی: بهمن فرمان‌آرا (بوی کافور، عطر یاس)
- و دیپلم افتخار به سیدرضا میرکریمی (کودک و سرباز)
- بهترین فیلم‌نامه: عروس آتش نوشته‌ی خسرو سینایی و حمید فرخ‌نژاد.
- بهترین بازیگر نقش اول مرد: فرامرز قریبیان (مرد بارانی)

- و دیپلم افتخار به حسین یاری (بلوغ)
- بهترین بازیگر نقش دوم مرد: حمید فرخ‌نژاد (عروس آتش)
- بهترین بازیگر نقش اول زن: میترا حجار، (متولد ماه مهر)
- بهترین بازیگر نقش دوم زن: رویا نونهالی، (بوی کافور، عطر یاس)

- و دیپلم افتخار به سلیمه رنگزن (عروس آتش)
- بهترین فیلم‌برداری: محمود کلاری، (بوی کافور، عطر یاس)
- و دیپلم افتخار به علی اللهیاری (دست‌های آلوده)
- بهترین موسیقی متن: احمد پژمان، (بوی کافور، عطر یاس)
- بهترین تدوین: روح‌الله امامی، (بلوغ)
- بهترین جلوه‌های ویژه: محمدجواد شریفی‌راد (متولد ماه مهر)

- بهترین طراحی صحنه: ژیلای مهرجویی (بوی کافور، عطر یاس)
- بهترین صداگذاری: اسحاق خانزادی، (اعتراض)
- بهترین صداپردازی: جهانگیر میرشکاری، (متولد ماه مهر)
- بهترین چهره‌پردازی: مهرداد شکرایی (بوی کافور، عطر یاس)
- بهترین فیلم برگزیده تماشاگران: مشترکاً به (عروس آتش) و (متولد ماه مهر)

□ در بخش مسابقه‌ی بین‌الملل نیز سه فیلم ایرانی بوی کافور، عطر یاس، یک روز بیشتر (بابک پیامی)، متولد ماه مهر (احمدرضا درویش) با چهارده فیلم خارجی به رقابت پرداختند که برندگان بدین شرح اعلام شدند:

- بهترین فیلم: امپراتور و آدمکش (چن گایگه)
- بهترین کارگردانی: هانس کریستیان اشمیت (۲۳)
- بهترین فیلم‌نامه: بهمن فرمان‌آرا (بوی کافور، عطر یاس)
- بهترین بازیگر نقش اول: ریچارد فارنزوث (داستان استریت) و دو دیپلم افتخار به جولی دلورم (سایمون شعبده‌باز) و یوشیکو میازاکی و آکیرا تراتو (پس از باران)
- جایزه ویژه هیأت داوران: دای‌سی جی (فرزند یازدهم) لوح یادبود به عباس کیارستمی و محمود کلاری از ایران و ویتوریو استورارو و فرانتسکو رزی از ایتالیا و کوستا گاوراس از یونان.



(سینماتک) و با همکاری انجمن مستندسازان سینمای ایران و مرکز بین‌المللی اینترنتیوز امریکا برگزار شد و طی آن هفتاد فیلم خارجی و ایرانی مستند (جمعاً حدود پنجاه ساعت) به نمایش درآمدند. در این هفته‌ی فیلم، بخش مستقلی نیز با عنوان یک فیلم، یک فیلم‌ساز وجود داشت، که در آن به انتخاب نه فیلم‌ساز برگزیده و معتبر نه فیلم‌ساز گنجانده شده بود. همشهری (عباس کیارستمی)، مدرسه‌ای که باد برد (محسن مخملباف)، وانگه روان جهان گله کرد (منوچهر طبیب)، کوچی پاییز (خسرو سینایی)، اون شب که بارون اومد (کامران شیردل)، پیش (ناصر تقوایی)، چیق (محمدرضا اصلانی)، خندق (پسرویز کیمیایی) و تمرکز (رخشان بنی‌اعتماد).

■ جشنواره‌های خارجی و فیلم‌های ایرانی

سینمای ایران در سه ماهه‌ی چهارم سال ۷۸ با ۹۳ فیلم بلند و کوتاه و ویدیویی در جشنواره‌های خارجی حضور داشت

● جشنواره‌ی مستند کیش. اولین دوره‌ی جشنواره‌ی مرور سینمای مستند از هفدهم تا بیستم اسفندماه ۷۸ با موضوع ایران‌شناسی (میراث فرهنگی) در کیش برگزار شد. در این جشنواره چهل فیلم برگزیده‌ی مستند از تولیدات دهه‌ی چهل سینمای ایران تا زمان حال از ۲۷ کارگردان مستندساز ایرانی به نمایش درآمد. کامران شیردل (فیلم‌ساز) دبیر این جشنواره بود. سیف‌الله داد که در مراسم اختتامیه‌ی این جشنواره با انتقاد از صدا و سیما اظهار امیدواری کرد که «پس از این با یک حرکت ملی و تجدیدنظرهای اساسی که در صدا و سیما، دیگر شاهد تضييع حق سینمای مستند و مستندسازان کشور خواهیم بود.» با برگزاری این جشنواره، پرونده جشنواره‌های سال ۷۸ بسته شد.

● هفته سینمای مستند دهه‌ی اخیر جهان و ایران. اولین جشنواره یا هفته‌ی فیلم سال ۷۹ از هشتم تا پانزدهم اردیبهشت با برگزاری نخستین هفته‌ی فیلم سینمای مستند جهان و ایران در مرکز موزه‌ی هنرهای معاصر تهران



این جوایز به شرح زیرند:

۱. جایزه‌ی بزرگ هیأت داوران
۲. جایزه‌ی بهترین کارگردان (مجید مجیدی)
۳. جایزه‌ی بهترین بازیگر مرد (حسین محجوب)
۴. جایزه‌ی ویژه‌ی تماشاگران
۵. جایزه‌ی ویژه‌ی پخش‌کننده‌ی فیلم MARCFILM
۶. جایزه‌ی رادیو فرانسه R.F.M
۷. جایزه‌ی نگاه ویژه.

در ضمن رنگ خدا به رغم قابلیت‌های فراوانش به دلیل آرایه به کمپانی سونی، متأسفانه از رقابت اسکار ۲۰۰۰ بازماند. گفته‌اند چنان‌چه فیلم به کمپانی میرامکس واگذار می‌شد، حضورش در میان پنج فیلم برتر خارجی زبان (بهترین فیلم) در مراسم اسکار سال ۲۰۰۰ حتمی بود. با این وصف فیلم رنگ خدا از جمعه سی و یکم مارس ۲۰۰۰ در نیویورک و لس‌آنجلس به اکران درآمد و فروشش در امریکا نسبت به فیلم قبلی مجیدی، یعنی بچه‌های آسمان، به مراتب بهتر بوده

و به‌رغم کاهش حضورهای بین‌المللی در فصل زمستان، موفق به دریافت جوایزی هم شد. فیلم کوتاه زندگی در مه (بهمن قبادی) به سیزدهمین جایزه‌ی بین‌المللی‌اش رسید. این فیلم در اواسط دی ماه ۷۸، جایزه‌ی ویژه‌ی هیأت داوران جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های کوتاه و ویدیویی تگزاس (امریکا) را به خود اختصاص داد.

پسر مریم (حمید جبلی) نیز جایزه‌ی اول دهمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم‌های کودکان قاهره را برد. در این جشنواره به فیلم‌های کوتاه غاز مهاجر، یکی کم است و مداد قرمز نیز جوایزی تعلق گرفت.

اما مهم‌ترین حضور بین‌المللی را رنگ خدا (مجید مجیدی) رقم زد. این فیلم ابتدا در جشنواره رن فرانسه، جایزه‌ی بهترین فیلم تماشاگران جشنواره را به خود اختصاص داد که ششمین جایزه‌ی بین‌المللی این فیلم به شمار می‌رفت. سپس با حضور در یازدهمین دوره‌ی جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم والنسیا، هفت جایزه‌ی این جشنواره را از آن خود کرد.

است.

در اردیبهشت ماه نیز به دعوت جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم سان فرانسیسکو (امریکا)، عباس کیارستمی در چهل و سومین دوره‌ی این جشنواره حضور یافت و جایزه‌ی افتخاری اکیرا کوروساوا را برای یک عمر دستاوردهای هنری دریافت کرد. از نکات جالب این جشنواره، اقدام کیارستمی در اهدای جایزه‌ی کوروساوا به بهروز وثوقی بازیگر دهه‌های چهل و پنجاه سینمای ایران بود. در اردیبهشت ماه هم‌چنین چهار فیلم‌ساز جوان در جشنواره‌ی کن ۲۰۰۰ حضور داشتند. سمیرا مخملباف با دومین فیلمش به بخش رسمی مسابقه راه یافت. تخته‌سیاه نام فیلم این فیلم‌ساز جوان سینمای ایران است که گفته می‌شود جوان‌ترین فیلم‌ساز حاضر در جشنواره‌ی کن است. سه فیلم‌ساز نیز با اولین ساخته‌هایشان در جشنواره کن ۲۰۰۰ حضور داشتند:

- حسن یکتاپناه با فیلم جمعه در بخش نوعی نگاه.

- بهمن قبادی با فیلم زمانی برای مستی اسب‌ها در بخش پانزده روز کارگردانان.

- رامین بحرانی با فیلم بیگانگان در بخش هفته‌ی منتقدان.

این سه فیلم‌ساز برای کسب دوربین طلایی نیز رقابت دارند. در سال ۷۸ سینمای ایران قریب به ۶۷۰ مورد حضور بین‌المللی داشت که حاصلش، دریافت شصت جایزه بود. هم‌چنین در فروردین ماه ۷۹، سینمای ایران یکصد حضور بین‌المللی در مجامع و جشنواره‌های خارجی داشت.

□ جلسات ماهانه‌ی معاونت سینمایی

دوشنبه سیزدهم دی ماه ۷۸ سیف‌الله داد در یک نشست مطبوعاتی، جزئیات هجدهمین دوره‌ی جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم فجر را تشریح کرد. وی گفت: «برخلاف دو سال گذشته به دلیل تقارن سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) با روز دوازدهم بهمن، مراسم افتتاحیه‌ی جشنواره امسال برگزار نخواهد شد.» داد با تشریح چگونگی حضور فیلم‌های خارجی در بخش مسابقه‌ی جشنواره‌ی هجدهم، گفت: «تاکنون بیش از هشتاد فیلم از ۳۹ کشور تقاضای

شرکت در این بخش و هم‌چنین سایر بخش‌هایی را کرده‌اند که فیلم‌های خارجی حضور دارند، که فعلاً با توجه به گزینش‌های هیأت‌های انتخاب فیلم، حضور ۲۷ کشور قطعی شده است.» وی در ادامه افزود: «برای بخش مسابقه‌ی بین‌الملل مانند دوره‌ی هفدهم جشنواره هفده فیلم خارجی که تولید آن‌ها از سال ۱۹۹۷ میلادی به بعد باشد، به علاوه سه فیلم از سینمای ایران در نظر گرفته خواهد شد.» داد از حضور ۴۵ کشور در بازار فیلم فجر خبر داد و یکی از ویژگی‌های جشنواره‌ی هجدهم را در برگزاری سمیناری با عنوان «گفت‌وگویی تمدن‌ها» ذکر کرد.

داد با تشریح دیگر بخش‌های جشنواره و اعلام کمیته‌های انتخاب فیلم و داوران بخش مسابقه‌ی سینمای ایران به روند عادی اکران در طول جشنواره اشاره کرد و گفت: «برای اولین بار جشنواره‌ی فجر به روند اکران فیلم‌ها ختلی وارد نمی‌کند. به این صورت که با توجه به گروه‌بندی جدید سینماها و سه‌تایی شدن گروه‌های ویژه، فقط سه گروه سینمایی از گروه‌های ویژه و یک یا دو گروه مکمل را برای جشنواره‌ی هجدهم در نظر گرفته‌ایم تا جشنواره با همان کیفیت سال‌های پیش و بدون اختلال در کار پنج گروه سینمایی دیگر برگزار شود و روند عادی اکران هم در آن گروه‌های سینمایی ادامه یابد.» داد در ادامه افزود: «جشنواره‌ی فجر یک جشنواره‌ی دولتی نیست، بلکه فقط برگزاری آن توسط دولت است. این جشنواره برخلاف نیات بانیان آن، هیچ نوع نقش سیاست‌گذارانه و تعیین‌کننده در سینمای ایران ندارد و به عنوان جشنواره‌ای که می‌تواند ابزار سیاست‌گذاری باشد، عمل نمی‌کند. چراکه هیأت‌های انتخاب و داوری آن کلاً مستقل و غیردولتی هستند و جوایزش نیز، تخصصی و فنی است و چندان با سیاست و دولت همخوانی ندارد.» این جلسه، آخرین نشست مطبوعاتی سیف‌الله داد در سال ۷۸ بود. وی در اواسط جشنواره در سینمای مطبوعات طی مصاحبه‌ای دیگر به برخی پرسش‌ها پیرامون نحوه‌ی برگزاری جشنواره پاسخ داد و برخی نارسایی‌ها در اجرای جشنواره را برشمرد.

در سال ۷۹ اولین جلسه‌ی رسمی و نشست معاونت امور

سینمایی با مطبوعات و تنی چند از اهالی سینمای ایران روز سه‌شنبه سی‌ام فروردین‌ماه برگزار شد که سیف‌الله داد سیاست‌های جدید معاونت سینمایی را اعلام کرد و سپس دفترچه‌ی مربوط به سیاست‌گذاری‌های اجرایی و نمایشی کشور توزیع شد.

پسر مریم فیلمی سخت خشک و عبوس و جدی است و می‌کوشد در موعد مقرر پیشاهنگ جریان گفت‌وگوی تمدن‌ها باشد!

در این دفترچه سیاست‌ها و ساختارها و اهداف راهبردی سینمای ایران در برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم تبیین شده است. قانونمند کردن فعالیت‌های سینمایی و سمعی و بصری، بهبود کارکرد فرهنگی فیلم‌های ایرانی، رونق مستمر اقتصادی و بهبود ساختار بخش خصوصی، حضور بین‌المللی و جذب سرمایه‌های خارجی، تأسیس سازمان سینمایی کشور، گسترش صنعت رسانه‌های تصویری و توسعه‌ی آموزش و پژوهش از سرفصل‌های مهم برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم ذکر شده است. در بخش دیگری از دفترچه به «شورای عالی توسعه‌ی سینمای ایران» اشاره شده که بخشی از وظایف آن تقویت و بهبود جوه محتوایی، هنری و موضوعی فیلم‌های ایرانی، اصلاح و تقویت ساختار بخش خصوصی، رونق اقتصادی و تسهیل ورود به کلیه‌ی عرصه‌های عملیاتی سینمایی، تقویت صادرات فیلم‌های ایرانی، تقویت مراکز پشتیبانی فنی سینمایی، ویدیویی، سمعی بصری، تحقیقاتی و آموزشی و ... آمده است.

از دیگر برنامه‌های قید شده در این دفترچه به‌طور کلی می‌توان از سینمای مصلحانه، حمایت بلاعوض از فیلم‌های خاص، گسترش جشنواره‌ها، حمایت از ساخت سینما، خصوصی‌سازی صنعت ویدیو و ... یاد کرد.

در این دفترچه هم‌چنین مقررات و حمایت‌های تولید فیلم و مقررات و حمایت‌های نمایش فیلم پیش‌بینی شده، و در برخی موارد به سود تهیه‌کنندگان و سینماداران و در تشویق

و ترغیب فیلم‌سازان به مسایل ارزشی و فیلم‌های دفاع مقدس و کودکان، امتیازهای تازه‌ای اعطا شده است. بهای بلیت سینماها در چهار کیفیت تا سال ۱۳۸۳ اعلام شده و برگزاری جشنواره‌ها و جدول ظرفیت رشد در بخش‌های مختلف در طول برنامه پنج‌ساله‌ی سوم توسعه نیز طراحی شده است.

در بخش «درجه‌بندی فیلم» چنین آمده است که سه عامل کیفیت و نوآوری محتوایی، کیفیت و نوآوری هنری و قدرت جذب مخاطب تعیین‌کننده‌ی درجه‌ی کیفی فیلم است که تشخیص آن‌ها، کارشناسان سینماست. در صورتی‌که درجه‌ی صادره مورد اعتراض تهیه‌کننده یا کارگردان فیلم واقع شود و این اعتراض به تأیید شورایی مرکب از نمایندگان کانون کارگردانان و اتحادیه‌ی تهیه‌کنندگان به ریاست رییس هیأت مدیره‌ی خانه‌ی سینما واقع شود، تقاضای تجدیدنظر در یک هیأت عالی درجه‌بندی مرکب از پنج نفر به انتخاب معاون امور سینمایی و چهار نفر به انتخاب خانه‌ی سینما مطرح و پس از بازبینی فیلم، درجه‌ی نهایی اعلام خواهد شد.

در این بخش یادآور شده‌اند «فیلمی که به تقلید از یک فیلم دیگر ساخته شده باشد حداکثر درجه‌ی کیفی ج اخذ خواهد کرد. مرجع تشخیص، یک گروه پنج نفره از منتقدان صاحب صلاحیت به تشخیص انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی خواهد بود. از نکات دیگر این بخش، به تقسیم‌بندی فیلم‌ها به دو گروه عمومی و خاص نیز باید یاد کرد که ورود کودکان و نوجوانان را به سینماهایی که فیلم‌های خاص نمایش می‌دهند به هیچ وجه مجاز نشمرده است.»

■ نگاهی گذرا به فیلم‌های فصل زمستان ۷۸

روبان قرمز. دهمین فیلم بلند ابراهیم حاتمی‌کیا از فیلم‌سازان موج سوم سینمای ایران در میان کارنامه‌ی ده فیلمی‌اش در کنار خاکستر سبز و برج مینو قرار می‌گیرد که هر سه، به دلیل زمینه‌های خاص و دوری از روایت مستقیم و داستان‌پردازی، شباهت‌هایی دارند. ظاهراً این روش،

در ردیف آثار هنری پذیرفته شده در مجامع جشنواره‌ای بوده است که با سر هم کردن قصه‌ای ساده و بدون هیچ‌گونه پیچیدگی و افت و خیز، به آن رسیده و ظاهراً انتظار زیادی هم از آن نداشته‌اند!

پسر مریم چند روز از زندگی نوجوانی روستایی است که گمشده‌ای دارد. او نخست از برقراری ارتباط با کشیش، به دنبال تصویری از مادر خویش است. و چون به پیش می‌رود، درمی‌یابد که نگهبانی از تندیس حضرت مریم (ع)، به نوعی نزدیک شدن به روح مادر از دست رفته‌اش است. اگرچه فیلم از منظری مذهبی به مسایل می‌نگرد، اما این نگاه آمیخته به عناصری اجتماعی است. بنابراین، فیلم پیش از این‌که بخواند تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را به یکدیگر نزدیک کند دو همسایه را با یکدیگر انس می‌دهد.

حمید گرشاسبی

شهر زنان. عطاءالله حیاتی را پیش از این با عنوان فیلم‌بردار آثار مهمی چون *گال* و *رقص خاک* (هر دو از ساخته‌های ابوالفضل جلیلی) می‌شناختیم. او یک فیلم نیز با عنوان *کودکانی از آب و گل* کارگردانی کرده است که پس از چند سال بلا تکلیفی بالاخره در فروردین ماه امسال از تلویزیون پخش شد. شهر زنان دومین فیلم او با همان زمینه‌ها و جغرافیای روستایی است که این‌جا - همان‌گونه که از نام فیلم برمی‌آید - به مسایل زنان روستایی می‌پردازد و نیم‌نگاهی به جریان‌ها و گرایش‌های فمینیستی دارد؛ هرچند به کلی درباره‌ی یک رسم روستایی است که در روستایی در دامنه کوه دماوند به آن معتقدند و زنان روستا با بیرون کردن مردان در یک روز خاص، حکومتی زنانه تشکیل می‌دهند. حیاتی در شکل بخشیدن به رنگ و ساختمان تصویری فیلمش با طراحی لباس‌های محلی و لوکیشن‌های ویژه، حال و هوای خاصی به فیلمش بخشیده است. فیلم برخی از رسوم گذشته را نقد و برخی دیگر را به عنوان فرایندی نو در زندگی معاصر ترسیم می‌کند و به رغم ظاهر روستایی از منظر روابط و مناسبات میان آدم‌ها بیش‌تر به فیلمی با مایه‌های شهری شبیه است.

مردی از جنس بلور. پس از مردی شبیه باران سعید سهیلی در

قاعده‌ی چند ساله‌ی فیلم‌سازی حاتمی‌کیا شده است که پس از یک فیلم پرمخاطب و روایتگر به فیلم‌هایی با فضاهای محدود و انتزاعی می‌پردازد. وی پس از *از کرخه تا راین*، خاکستر سبز را ساخت، پس از بوی پیراهن یوسف، برج مینورا، و اینک پس از فیلم شلوغ و پرکشش *آژانس شیشه‌ای*، روبان قرمز را ساخته است. در واقع این، نوعی واکنش روانی به مسایل خود، و جدال حاتمی‌کیا با تناقضی است که سینما به عنوان پدیده‌ای چندوجهی به فیلم‌ساز تحمیل می‌کند. برخلاف *آژانس شیشه‌ای* که با مخاطبان ارتباط وسیعی داشت، روبان قرمز نتوانست به موفقیت قابل توجهی در گیشه دست یابد و بار دیگر حسرت این نکته را بر دل گذاشت که فیلم‌سازی که می‌تواند با طیف‌های گوناگون ارتباط برقرار کند و نسبت درستی با سینما داشته باشد، چرا مدام و یکی در میان با فیلم‌هایش، فاصله‌گذاری می‌کند؟

اشتیاق وافر حاتمی‌کیا به صلح و بی‌زاری‌اش از جنگ، در این فیلم نمودی بارز دارد، اما شاید کمتر کارگردان خوش‌بینی را بتوان یافت که ابزار لازم خویش برای زندگی بخشیدن را از همان فبرستان جنگ یافته باشد. تانک جنگی، مرکب عروسی می‌شود، تانک، شاهد خلوت آدم‌ها، کلاس درس زندگی و مثل فرزند می‌شود که تر و خشک کردن، روبه‌راه کردن و به راه انداختنش برای پدر و مادر وی لذت‌بخش است. و در نهایت مثل آن بزهای اساطیری، گم‌گشتگان بیابان را به چشمه‌ی حیات (و عشق) می‌رساند.

ارسیا تقوا

پسر مریم. حمید جلیلی به عنوان بازیگر، در آثاری که بازی کرده است، نقش‌ها و ذهنیت‌های خنده‌آفرین داشته و برجای گذاشته است. پسر مریم که کوچکترین بهره‌ای از آن سابقه‌ی ذهنی تماشاگر نمی‌برد، فیلمی سخت خشک و عبوس و جدی است و می‌کوشد در موعد مقرر پیشاهنگ جریان گفت‌وگوی تمدن‌ها باشد! اما ساخت ضعیف و کم‌مایه، فیلم را در رسیدن به مقصد، ناکام می‌گذارد. و به‌رغم آن سابقه، فیلم نه در نزد منتقدان و نه در نزد تماشاگران، توفیقی نمی‌یابد. در واقع خواست اصلی سازندگان، طراحی فیلمی

ظاهراً قاعده‌ی فیلم‌سازی حاتمی‌کیا این است که پس از یک فیلم پرمخاطب و روایتگر به فیلم‌هایی با فضاهای محدود و انتزاعی می‌پردازد.

پرتکلف که فاصله‌ای میان مخاطب و فیلم انداخت، زشت و زیبا به ثمر رسیده است که در همان مسیر فیلم اول، احمدرضا معتمدی را فیلم‌سازی با عزم راسخ در بیان مسایل فلسفی با قالب‌های نمادین نشان می‌دهد. الحق در زشت و زیبا وضعیت بیانی فیلم به مراتب بهتر از هبوط است، هرچند فیلم، هم‌چون اثر قبلی به‌سختی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند و این‌جا نیز به‌سختی در گیشه شکست می‌خورد. ممارست و پی‌گیری معتمدی در شاعرانگی و پرداختن به مسایل عمیق و سرشتی بشر، جداً قابل تحسین است، اما سینما با بیان سلیس و روان، کارایی و تأثیر بیش‌تری دارد تا...

وقتی به قول هایدگر می‌خواهیم از عقل بگریزیم و به تفکر روی آوریم و نسبت وجودی با عالم پیدا کنیم، باید ابزارهای مناسب آن را نیز جستجو کنیم. این‌جاست که برخلاف نظر سارتر که کردار را بر هستی مقدم می‌دارد، از دیدگاه هایدگر، هستی بر کردار تقدم می‌یابد ما باید نخست بگذاریم تا حقیقت اشیا خود را نمایان سازد. ما در پی برقراری نسبت با حقیقت آمده‌ایم.

احمدرضا معتمدی

معتمدی در زشت و زیبا با وفادار ماندن به همان نگاه فلسفی و هستی‌شناسانه‌اش، در وادی امن عرفان پرسه می‌زند. او در این‌جا همان پرسش‌ها و دیدگاه‌هایی را که در فیلم اولش مطرح کرده بود، با لحنی دیگر دوره می‌کند: آیا بشر در تاریخ تحول خود، درست رفته است؟

جواد طوسی

پرواز خاموش. دومین فیلم حسن برزیده پس از دکل با همان قرار و خاستگاه آثار جنگی، یعنی نمایش روحیه‌ی قهرمانی و ایثار رزمندگان، به ثمر رسیده است و نیز با امکانات فراوان که معمولاً نصیب فیلم‌سازان مورد تأیید و جنگی‌ساز می‌شود؛ امکانات گسترده‌ی نظامی و انسانی که قرار است به واقعی نمایاندن جنگ برسد و یا برشی باشد از جنگ هشت‌ساله‌ای که مقاومت و ایثار را به حد اعلا رساند. اما با تمام آن پیچ‌وتاب‌ها، پرواز خاموش فیلم موفق‌تری از کار در

تکرار تجربه‌های قبلی خود، مردی از جنس بلور را ساخت که تحرکی به جایگاه کیفی او به عنوان یک فیلم‌ساز نمی‌دهد و به دلیل چندپارگی و پراکندگی‌های فیلم (که شبیه بیانیه‌ها و مقاله‌های تند یا مواضع دفاع از ارزش‌ها) از کار درآمده است، راه همراهی و همدلی تماشاگر را مسدود می‌کند. توجه کنیم که فیلم‌ساز با دعوت از دو چهره‌ی سینمایی ابوالفضل پورعرب و مهتاب کرامتی هم قصد دارد با تماشاگر و مخاطب عام ارتباط گیرد و هم با دست‌گذاشتن بر موضوعات روز - به‌خصوص پیش‌کشیدن طعنه‌هایی به جامعه‌ی مدنی - جایگاه ارزشی و کیفی برای خود و فیلمش دست و پا کند. نکته در آن‌جاست که فیلم در هر دو جنبه با شکست مواجه شده است. در واقع مردی از جنس بلور بار دیگر ثابت می‌کند که مضمون ارزشی در پرداخت و اجرای ضعیف، فاقد کارایی درخواهد آمد و سینما، هنر اجر است.

علت و انگیزه‌ی ساخت فیلم مردی از جنس بلور، پرداختن به آدم‌هایی است که میراث‌دار جنگ به حساب می‌آیند؛ و فیلم می‌کوشد که زندگی آدم‌هایی این‌چنینی را ترسیم کند و برای آنان حسابی جدا باز کند. به‌خصوص که آدم اول این فیلم، مشکلی دارد که از جنگ برایش باقی مانده است. او هر دم با وقوع حادثه‌ای، اتفاقات جنگ را در ذهنش مرور می‌کند و می‌کوشد که بین آن حوادث، تناسب و مقایسه‌ای را شکل دهد. اما قصه‌ی اصلی فیلم به روابط آدم‌های امروز مربوط می‌شود و جوانانی را تصویر می‌کند که به‌ظاهر، کاری جز تفریح ندارند و اگر خلاقی را هم مرتکب می‌شوند، به سبب تفریح و گذران وقت می‌کنند. فیلم به‌گونه‌ای پیش می‌رود که آدم‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند و این دو دسته، در تضادی کامل با یکدیگر قرار دارند.

حمید گرشاسبی

زشت و زیبا. پس از هبوط با آن بار فلسفی غافلگیرکننده و



دقت کنیم تمامی فیلم‌های این تهیه‌کننده با بی‌توجهی و بی‌تفاوتی، در طول سال‌های اخیر به شکست مادی در گیشه انجامیده‌اند. تا آخرین نفس (رسول ملاقلی‌پور) و تولد یک پروانه (مجتبی راعی) دو نمونه‌ی اخیر، و اغلب فیلم‌های بی‌مسأله و پشت خط اکران مانده‌ی ابوالفضل جلیلی که تهیه‌کننده (یعنی تلویزیون) رغبتی به نمایش آن‌ها ندارد، نمونه‌ی بارز بی‌توجهی تلویزیون به فیلم‌هایی است که خود، تهیه‌ی آن‌ها را برعهده داشته است.

● فیلم‌های دیگر

در فصل زمستان، معصوم اولین فیلم بلند داود توحیدپرست، یک قدم تا مرگ اولین ساخته‌ی بهروز فرجی، پشت دیوار شب چهارمین فیلم مهران تأییدی، آی‌پارا چهارمین اثر محرم زینال‌زاده، شهردار مدرسه پنجمین ساخته‌ی محمدباقر خسروی و شور زندگی پنجمین فیلم فریال بهزاد اکران شدند و توفیق چندانی در گیشه و نزد مطبوعات به‌دست نیاوردند.

نیامده است. فیلم فاقد قوه‌ی خلاقه و معنوی فیلم‌های دوره‌ی اول سینمای جنگ، یعنی آثاری چون دیدبان و مهاجر و هور در آتش است؛ و در مسیر آثار حماسی و نمایش فیزیکی جنگ نیز با لکت داستانش را تعریف می‌کند. وقتی نه این است و نه آن، مشکل گیشه و نقد پیدا می‌کند و ...

آن سوی آینه. محمدرضا اعلامی هیچ‌گاه نتوانست از سایه‌ی نقطه ضعف، اولین فیلمش در سال‌های ابتدای پیروزی انقلاب، برآید. افعی نیز بیش از آن‌که به بار معنوی پرورده‌ی فیلم‌سازی او بینجامد، به عنوان فیلمی حادثه‌پرداز و کلیشه‌ای در این کارنامه ثبت شد. اینک پس از دو سال از ساخت آینه که در اکران به آن سوی آینه تغییر نام یافت، اعلامی در تجربه‌ی اجرای جریان سیال ذهن، و به‌رغم آن‌که آن سوی آینه پرداخت روانی دارد، شکست را بار دیگر تجربه کرده است. در واقع شکست آخرین فیلم اعلامی، پیش از آن‌که نسبتی واقعی با توانایی‌های او داشته باشد، به تهیه‌کننده فیلم باز می‌گردد که سیمافیلیم است! خوب که

□ نگاهی گذرا به فیلم‌های اولین اکران ۷۹

شوکران. آن‌ها که بهروز افخمی را می‌شناسند خوب می‌دانند که او عاشق سینمای امریکاست و سینمای کلاسیک فن‌سالاران بزرگی چون جان فورد و آلفرد هیچکاک را بسیار دوست دارد. افخمی در شش فیلمی که ساخته است، می‌کوشد آموخته‌هایش از آن سینما را در سینمای ایران پیاده کند. و اتفاقاً در همین شوکران با تبعیت از میزانشن هیچکاک در سرگیجه و یا طراحی نورهای ملایم و روشن (با عنایت به رنگ‌آمیزی شمال از شمال غربی) و پرداختی کاملاً استیلیزه و پالوده، روایت‌گر قصه‌ی زوج جوانی است که از منظر فرهنگ رسمی، پا را از گلیم خود فراتر می‌نهند و سرنوشتی سخت تلخ و غمبار را رقم می‌زنند. موضوع بکر و جذاب و جسارت‌آمیز فیلم - صیغه - با اجرای خوب دو بازیگر زنده - هدیه تهرانی و فریبرز عرب‌نیا - به توفیق فیلم در کارنامه‌ی فیلم‌سازی افخمی انجامیده است. فیلم با آن‌که اعتراض‌های فراوانی را از سرگذراند، به توفیق مادی بسیار خوبی دست یافته که در نگاه به مضمون تلخ و غم‌انگیز فیلم، فروشش فراتر از پیش‌بینی‌های کارشناسان اقتصادی سینمای ایران بوده است.

ما سعی نکردیم که از سیما، چهره‌ی یک قدیس درست کنیم. سعی نکردیم اصرار او را در دروغ‌گویی، بیش از آنچه در داستان پیداست، توجیه کنیم و سعی هم نکردیم که قربانی شدن این آدم را خیلی فاجعه‌ی بزرگی نشان بدهیم. ما قضاوت نمی‌کنیم که این فاجعه چقدر بزرگ است. حتی راه را باز می‌گذاریم که برخی فکر کنند خودش مقصر بوده است... اصل در فیلم شوکران یک مسأله‌ی همیشگی و هم‌زمانی است. این‌که ما آدم‌ها... ادعای اخلاق داریم، ادعای عاطفی بودن داریم، ادعای احترام به معنویات داریم تا چه حد در موقعیت‌های واقعی می‌توانیم از پس این ادعاها برآیم؟

بهرروز افخمی

فیلم، دو نوع آدم را به ما نشان می‌دهد و ما را وادار می‌کند که در حال آن‌ها اندیشه کنیم و در مورد یک مقوله، نظریه‌ی کلیشه‌ای را به هم می‌ریزد. به هر حال خارج از این‌که فیلم در بیان آن موفق

است یا نه، ما را وادار کرده است که درباره‌ی موضوع آن و آدم‌هایش اندیشه کنیم، در حالی که اساساً داستان سرگرم‌کننده‌ای را هم دارد روایت می‌کند.

روان‌کاوی شخصیت‌های شوکران، برگرفته از روان‌کاوی فردی از فضای پیرامون است؛ فضایی پر از سوء تفاهم و تردید. در چنین فضایی آدمی مانند سیما، پایگاه و تکیه‌گاهی پیدا کرده که نمی‌خواهد آن را از دست بدهد و مجبور است به هر چیزی متوسل شود.

جواد طوسی

دختران انتظار. پس از مدار بسته، فریبه، آوای دریا و آقای شانس، دختران انتظار عنوان پنجمین فیلم بلند رحمان رضایی است که با حاشیه زدن بر برخی مسایل اجتماعی هم‌چون آثار سابقش، می‌کوشد به جنبه‌های گیشه‌پسند هم راه دهد تا چون سابق، دچار مشکل فروش نشود! پر شدن فقط پنج فیلم در این راه طولانی، از مدار بسته تا دختران انتظار به حد کافی برای رضایی با تجربه‌های مختلف همراه بوده تا قدر اجزای دخیل در سینما را بداند و با استفاده از چهره‌های جوانی چون نیکی کریمی و پارسا پیروفر، به درام اجتماعی‌اش که از عشق‌های انسانی می‌گوید، رنگ و جلای بی‌بخشد. و اتفاقاً فیلم به رغم ضعف‌ها و خام‌دستی‌ها، موفقیت خوبی در گیشه داشته و موفق‌ترین فیلم او در این دو دهه‌ی حضورش در سینمای ایران بوده است.

چندسالی است که سینمای ایران بیشتر می‌کوشد که سینماهای جوان را به طرف سالن‌های سینما بکشانند. البته در شرایطی که به لحاظ جمعیت، ایران یکی از جوان‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شود، این تغییر جهت، امری درست و طبیعی به نظر می‌آید و می‌تواند در بهتر شدن شرایط اقتصادی سینمای ایران مؤثر باشد. رحمان رضایی نیز با آگاهی از این شرایط به سراغ فیلم‌نامه‌ای جوان‌پسند رفته تا شاید برخی از ضررهای مالی‌اش را که به خاطر عدم موفقیت فیلم‌های پیشین او به وجود آمده بود، مرتفع سازد.

رنجبر. باید از احمد مرادپور به‌عنوان یکی از بدشانس‌ترین

بلوغ (مسعود جمعفری جوزانی) و قصه‌های کیش (ناصر تقوایی، ابوالفضل جلیلی و محسن مخملباف) بوده است.

■ درگذشتگان

در زمستان ۷۸ و بهار ۷۹ چند تن از دست‌اندرکاران سینمای ایران دعوت حق را لبیک گفتند و به دیار باقی شتافتند. غلامحسین بهمنیار (بازیگر قدیمی سینما، تئاتر و تلویزیون)

- فیروز بهجت‌محمدی (بازیگر قدیمی سینما، تئاتر)

- نعمت‌الله گرجی (بازیگر قدیمی سینما، تئاتر و تلویزیون)

- سیروس جراح‌زاده (بازیگر، تدوینگر، دوبلور، کارگردان و استاد دانشگاه)

- محمدعلی فردین (بازیگر، تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان)

- میراحمد مندوب‌هاشمی (مجری، بازیگر و دوبلور تلویزیون)

روح‌شان قرین رحمت باد.



فیلم‌سازان نسل جوان یاد کرد. فیلم اولش سجاده‌ی آتش اثر محکم و قابل قبولی در زمینه‌ی فیلم‌های جنگی بود، اما در زمان خودش چندان مورد توجه واقع نشد و حتی در «شب منتقدان» هم شانس دفاع منتقدان از فیلمش را از دست داد. (آن زمان به دلیل تحرکات گروه فشار، مراسم شب منتقدان لغو شد. سجاده‌ی آتش یکی از ده فیلم برگزیده‌ی منتقدان در اکران سال ۷۳ بود و در آن شرایط ویژه درهیاهاهاگم شدا!) در فروردین‌ماه ۷۹ در یک شرایط نامناسب فیلم دوم مرادپور با نام رنجر اکران شد که به رغم قابلیت‌ها و ذوق و سلیقه‌ای که به خرج داده است و انرژی فراوانی که جمشید هاشم‌پور در فیلم صرف می‌کند، مجدداً با بی‌توجهی منتقدان و عدم اقبال تماشاگران روبه‌رو شده است. رنجر کوششی است در ساخت خوب و پرداخته‌ی یک فیلم کاملاً اکشن جنگی که در مقایسه با دیگر آثار سینمای جنگ ایران، فیلمی روان و متعارف از کار درآمده است. نکته آن‌جاست که فضای موجود در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۷۹ فضای مناسبی برای نمایش فیلم‌های جنگی و پرخشونت نبوده و نیست.

مراحل رساندن آدم‌ها به نقطه‌ی طغیانگری و دست زدن به اعمالی که شاید یک خرده عجیب به نظر برسند برای من چه در هنگام نوشتن فیلم‌نامه و چه وقتی که داشتم صحنه‌ها را کارگردانی می‌کردم جزو نکات جدی بود. برایم مهم بود که هنگامی که این شخصیت از خودش رفتار قهرمانی بروز می‌دهد، برای تماشاگر قابل پذیرش باشد. گذراندن مراحل‌ی که تماشاچی را به این باورپذیری نزدیک کند، جزو کارهای سختی بود که ما در نوشتن فیلم‌نامه و موقع اجرا با آن دست به‌گریبان بودیم. از طرف دیگر به هر حال برای قهرمان‌پروری نیاز به یک ویژگی‌هایی داریم که تا زمانی که در رفتار بازیگر اتفاق نیفتد و بروز و تجلی پیدا نکند، آن شخصیت به عنوان قهرمان، پذیرفته شده نیست و برای تماشاگر قابل باور نمی‌شود.

احمد مرادپور

در اردیبهشت‌ماه ۷۹ اکران دو فیلم شوکران و دختران انتظار ادامه یافت. نوبت جدید اکران نیز از نیمه‌ی اردیبهشت‌ماه،